

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

اهداف تربیت در قرآن کریم

دکتر سید محمد دلبری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش



انشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: اهداف تربیت در قرآن کریم
مؤلف: دکتر سیدمحمد دلبری
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
صفحه آرا: محمد روشنی
طراح جلد: رسول خسرویگی
نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۴۰۳
قیمت: ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۲۰-۶

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: دلبری، سیدمحمد، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: اهداف تربیت در قرآن کریم / مؤلف سیدمحمد دلبری.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۲۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۲۰-۶

موضوع: تربیت اخلاقی - جنبه های قرآنی

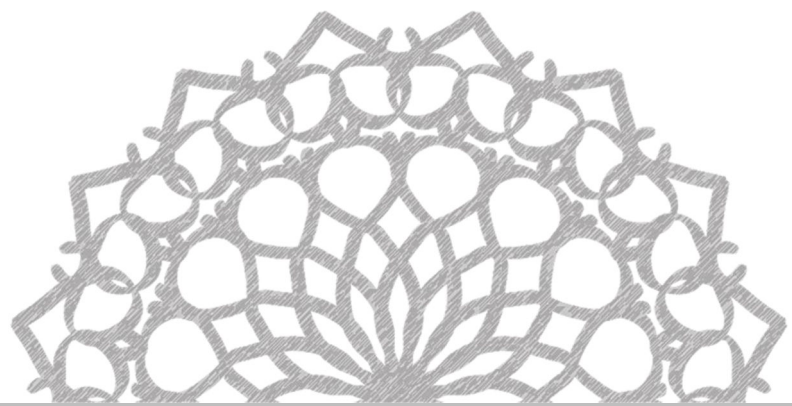
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

رده بندی کنگره: BP ۱۰۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷

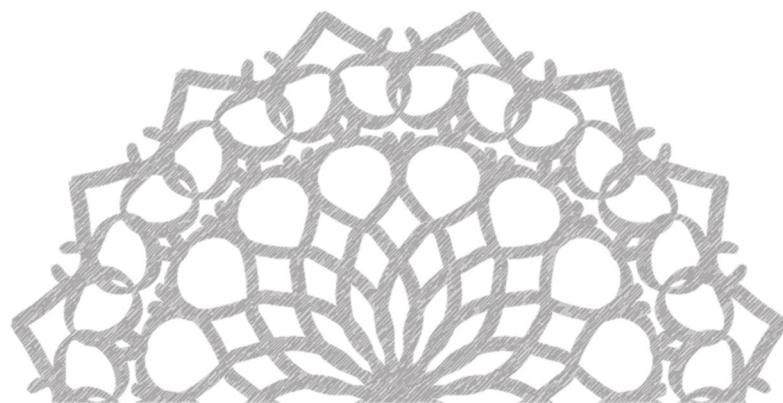
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۶۱۴۸۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.



فهرست اجمالی

۱۱.....	سخن ناشر.....
۱۳.....	مقدمه
۱۷.....	فصل اول: کلیات
۵۱.....	فصل دوم: اهداف غایی تربیت دینی در قرآن کریم
۱۲۳.....	فصل سوم: اهداف واسطه‌ای و جزئی تربیت دینی در قرآن کریم
۱۹۱.....	خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۹۵.....	منابع و مأخذ
۲۰۳.....	نمایه آیات
۲۱۷.....	نمایه



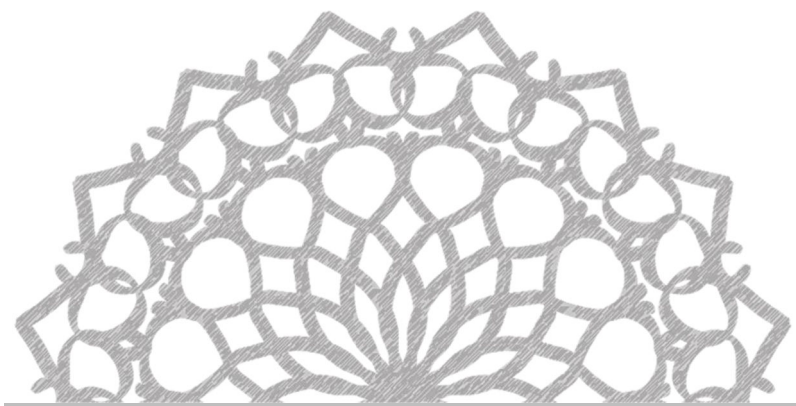
فهرست تفصیلی

۱۱.....	سخن ناشر.....
۱۳.....	مقدمه.....
۱۷.....	فصل اول: کلیات.....
۱۷.....	۱-۱. مفهوم‌شناسی.....
۱۷.....	۱-۱-۱. مبنا.....
۱۹.....	۱-۱-۲. اصل.....
۲۳.....	۱-۱-۳. روش.....
۲۴.....	۱-۱-۴. هدف.....
۳۱.....	۲-۱. رابطه اهداف تربیتی و ارزش‌های دینی.....
۳۱.....	۱-۲-۱. رابطه اهداف تربیت و ارزش‌ها در مسیحیت.....
۳۵.....	۲-۲-۱. رابطه اهداف تربیت و ارزش‌ها در اسلام.....
۳۹.....	۳-۱. قرآن مبنای تعیین اهداف تربیت دینی.....
۴۲.....	۴-۱. روش کشف و تبیین مفاهیم تربیتی قرآن.....
۴۲.....	۵-۱. جایگاه و اهمیت تعیین حدود معنایی مفاهیم تربیت.....
۴۲.....	۶-۱. ساخت مفاهیم تربیتی براساس منابع اسلامی.....
۴۵.....	۷-۱. روش کشف و تبیین مفاهیم.....

۵۱	فصل دوم: اهداف غایی تربیت دینی در قرآن کریم
۵۱	مقدمه
۵۲	الف: تحلیل آیات ناظر به اهداف خلقت
۵۳	ب: تحلیل آیات ناظر به اهداف هدایت
۵۳	۱-۲. اهداف غایی خلقت
۵۴	الف: خلقت آسمان ها و زمین
۵۴	ب: خلقت زینت ها
۵۵	ج: خلقت موت و حیات
۵۶	د: خلقت انسان
۶۰	۱-۲. ۱-۱. احسن عملاً
۶۰	۱-۲. ۱-۱-۱. هم نشین های «احسن عملاً»
۶۱	۱-۲. ۲-۱-۱. مقابل های «احسن عملاً»
۶۵	۱-۲. ۲-۱. عبادت
۶۵	۱-۲. ۱-۲-۱. هم نشین های «عبادت»
۷۱	۱-۲. ۲-۲-۱. جانشین های «عبادت»
۷۳	۱-۲. ۳-۲-۱. مقابل های «عبادت»
۷۴	۱-۲. ۳-۱. شکر
۷۴	۱-۲. ۱-۳-۱. هم نشین های «شکر»
۷۵	۱-۲. ۲-۳-۱. مقابل های «شکر»
۷۸	۱-۲. ۴-۱. رحمت
۸۰	۱-۲. ۱-۴-۱. هم نشین های «رحمت»
۸۳	۱-۲. ۲-۴-۱. مقابل های «رحمت»
۸۴	۱-۲. ۳-۴-۱. رابطه «احسن عملاً» و «رحمت»
۸۶	۲-۲. اهداف غایی هدایت
۸۷	۱-۲. ۱-۲. اهداء
۸۸	۱-۲. ۱-۱-۲. هم نشین های اهداء

۱۰۰.....	۲-۱-۲-۲. مقابل‌های اهداء
۱۱۱.....	۲-۲-۲. فلاح
۱۱۲.....	۱-۲-۲-۲. هم‌نشین‌های فلاح
۱۱۵.....	۲-۲-۲-۲. جانشین‌های فلاح
۱۱۷.....	۳-۲-۲. فوز
۱۱۸.....	۱-۳-۲-۲. هم‌نشین‌های «فوز»
۱۲۱.....	۲-۳-۲-۲. رابطه «فوز» و «فلاح»
۱۲۲.....	۳-۲. رابطه غایت‌های خلقت و هدایت
۱۲۳.....	فصل سوم: اهداف واسطه‌ای و جزئی تربیت دینی در قرآن کریم
۱۲۳.....	مقدمه
۱۲۴.....	۱-۳. اهداف واسطه‌ای
۱۲۴.....	۱-۱-۳. ایمان
۱۲۵.....	۱-۱-۱-۳. هم‌نشین‌های ایمان
۱۳۵.....	۲-۱-۱-۳. مقابل‌های ایمان
۱۳۶.....	۲-۱-۳. تقوا
۱۳۸.....	۱-۲-۱-۳. هم‌نشین‌های تقوا
۱۴۷.....	۲-۲-۱-۳. مقابل‌های تقوا
۱۴۸.....	۳-۱-۳. اندیشه‌ورزی
۱۴۸.....	۱-۳-۱-۳. تفکر و هم‌نشین‌های آن
۱۵۱.....	۲-۳-۱-۳. عقل‌ورزی (تعقل) و هم‌نشین‌های آن
۱۵۳.....	۳-۳-۱-۳. تذکر و هم‌نشین‌های آن
۱۵۷.....	۴-۳-۱-۳. تدبیر و رابطه آن با تفکر
۱۵۸.....	۵-۳-۱-۳. رابطه تفکر، تذکر و عقل‌ورزی
۱۵۹.....	۴-۱-۳. علم‌آموزی
۱۶۲.....	۱-۴-۱-۳. رابطه علم‌آموزی و ایمان
۱۶۳.....	۲-۴-۱-۳. ارتباط میان اندیشه‌ورزی، علم‌آموزی و ایمان

۱۶۶.....	۳-۱-۵. تبیین مهم‌ترین هم‌نشین اهداف واسطه‌ای (آیه).
۱۶۸.....	۳-۱-۱. انزال و تنزیل.
۱۶۹.....	۳-۱-۲. ارسال.
۱۷۰.....	۳-۱-۳. تصریف.
۱۷۳.....	۳-۱-۴. تلاوت.
۱۷۶.....	۳-۱-۵. تفصیل.
۱۷۸.....	۳-۱-۶. جعل و ترک.
۱۷۹.....	۳-۲. اهداف جزئی.
۱۸۰.....	۳-۲-۱. اهداف حوزه علم و شناخت.
۱۸۴.....	۳-۲-۲. اهداف جزئی حوزه ایمان.
۱۸۵.....	۳-۲-۳. اهداف جزئی حوزه رفتار و عملکرد.
۱۹۱.....	خلاصه و نتیجه‌گیری.
۱۹۵.....	منابع و مأخذ.
۲۰۳.....	نمایه آیات.
۲۱۷.....	نمایه.



سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به‌عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش پردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

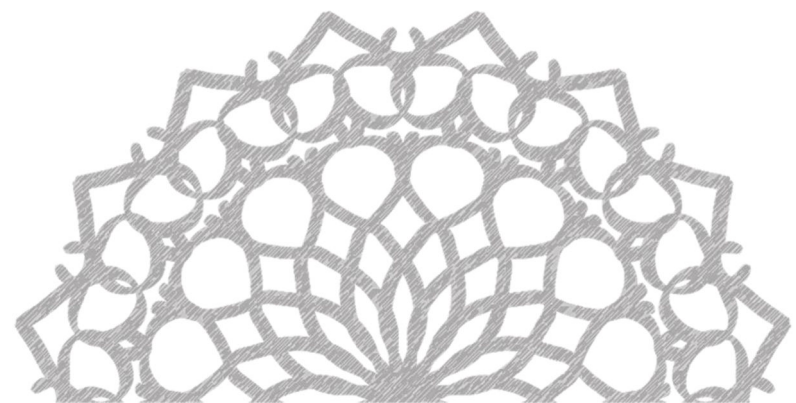
از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد. از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان

عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکای به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



مقدمه

تاریخچهٔ تعلیم و تربیت در اسلام به آغاز ظهور آن و همگام با نزول قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و تربیت مسلمانان، «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (البقره: ۲/۲)، بازمی‌گردد؛ کتابی که اصلی‌ترین رسالت پیامبران را تعلیم و تزکیهٔ انسان‌ها می‌داند:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران: ۱۶۴/۳).

بر همین اساس رسول خدا (ﷺ) تمام همت خویش را برای انجام رسالت عظیم تربیت مسلمانان مبتنی بر آموزه‌های این کتاب مقدس به کار می‌بردند (ر.ک. الشعراء: ۳/۲۶).

علما و دانشمندان مسلمان نیز به تبعیت از ایشان در مقام عمل و نظریه این مهم توجه ویژه‌ای داشته‌اند و آثاری از ایشان نیز به جای مانده است. با عنایت به این آثار، تاریخ اندیشه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان را می‌توان به دو دوره اصلی تقسیم کرد:

دوره اول: از آغاز شکل‌گیری اندیشه‌های اسلامی تا قبل از تماس با تحولات

علمی و فنی غرب. در این دوره پایه‌ریزی تفکرات تربیتی بر اساس آموزه‌های کتاب و سنت و بعضاً مأخوذ از دانش‌های یونانی صورت گرفته است. در این دوره متفکران تربیتی در چارچوب گرایش‌های فکری خود به موضوع تعلیم و تربیت پرداخته‌اند. برخی از تربیت‌پژوهان معاصر به احصاء این گرایش‌ها توجه نشان داده‌اند.^۱

دوره دوم: پس از تحولات غرب و آشنایی جهان اسلام با آن. در این مرحله متفکران و مصلحان فکری و اجتماعی با توجه به مقتضیات زمان به طرح مباحث جدید پرداختند. در گام بعد با آشنایی دقیق‌تر با دانش‌های غربی از جمله فلسفه به نقد و نظریه‌پردازی روآوردند؛ اما در حوزه تعلیم و تربیت و در قلمرو اندیشه تربیتی نقد و نظریه‌پردازی، در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی صورت گرفته است. هرچند در مقام عمل، از فعالیت و برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی با شکل نوین و با استفاده از تجارب جدید، بیش از یک قرن می‌گذرد.

بحث تعلیم و تربیت اسلامی یکی از زمینه‌های مطالعاتی مشترکی است که در چند دهه اخیر در جهان اسلام، به ویژه در دنیای عرب با اقبال نسبتاً قابل توجهی روبه‌رو شده است. کثرت و تنوع آثار منتشره در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی و انجام تحقیقات دانشگاهی گوناگون در این حوزه، نشان‌دهنده نویدبخشی از علاقه و رویکرد مشترک روزافزون مسلمانان جهان به ارتقاء و گسترش تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان راه‌حلی اساسی برای بحران فرهنگی جهان اسلام است.

برای رسیدن به اهداف مذکور در موضوع تعلیم و تربیت درک درست و جامع چند چیز لازم می‌باشد:

الف- تصور چیزی که موضوع تربیت واقع می‌شود و نشو و نما یا به‌طور کلی

۱. رک. مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، علی، سعید اسماعیل و رضا، محمدجواد، ترجمه بهروز رفیعی، تهران: سمت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ش.

تغییر هیئت آن مورد نظر است و در ادامه شناخت قابلیت‌ها و استعدادهایی که در آن چیز وجود دارد و مترصد فرصتی برای ظهور، بروز و تجلی می‌باشد.

ب- شرایطی که پدید آمدن آن‌ها برای آغاز تحول مورد انتظار لازم و کافی باشد و فرصت مناسبی را که در بالا اشاره شد فراهم کند.

ج- هدف یا اهداف مطلوب و مورد انتظار^۱.

در این میان برای آن که اصالت یک اثر در مباحث و موضوعات اسلامی حفظ شود، لازم است مایه اساسی کار از متون اسلامی اخذ گردد. گاهی آشنایی با تحولات تربیتی معاصر سبب شده است که محقق متأثر از مکتب‌ها یا جریان‌های فکری معینی به مطالعه منابع اسلامی بپردازد و ناگزیر سراز وادی تفسیر به رأی درآورد. این در حالی است که این آشنایی باید سرمایه فهم و دقت محقق شود و کاشفیت و گیرندگی ذهن او را در رابطه با منابع اسلامی قوی‌تر و غنی‌تر کند.

کتاب حاضر تلاش نموده است باتکیه بر اصیل‌ترین منبع دریافت آموزه‌های دینی و باتکیه بر روش‌های نوین، غایات و اهداف تربیت دینی را تعیین و تبیین نماید. امید که این تلاش توأم با برکات گردد.

۱. بررسی اهداف از آن روست که جهت‌دهندهٔ افعال تربیتی می‌باشند و در همین چارچوب مطرح می‌شوند؛ لذا به احصاء جزئیات پرداخته نمی‌شود.



فصل اول: کلیات

۱-۱. مفهوم‌شناسی

تفاوت میان نظام‌های مختلف تعلیم و تربیت را باید در نظرگاه‌های متفاوت آن‌ها دربارهٔ مهم‌ترین مفاهیم نظام تربیتی یعنی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت جستجو کرد. از این رو هرگونه تغییر و تحول در این حوزه با تغییر در مؤلفه‌های مذکور که مکون فلسفهٔ تربیت می‌باشند، رخ می‌دهد؛ از این رو در آغاز بحث، تعیین حدود و ثغور معنایی آن‌ها ضرورت دارد.

۱-۱-۱. مبنا

معنای اصلی مبنا، ضمیمه‌سازی اجزا و مواد و عناصر خاص به یکدیگر به منظور پیدایش ساختار ویژه، باکیفیت و هیئت خاص است. تفاوت ندارد که آن ساختار مادی باشد و یا معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۴۴).
مبانی تربیت از ساختار و موقعیت انسان، امکانات، توانایی‌ها و محدودیت‌های او و نیز از ضرورت‌های آفرینشی و وجودی که حیات او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بحث می‌کند (شکوهی، ۱۳۶۸: ۶۱). مبنا، از

آموزه‌ها و داده‌های شناختی که تربیت بر آن‌ها استوار است، سخن می‌گوید.

مبانی دارای دو ویژگی و خصوصیت‌اند:

یک: در مورد عموم انسان‌ها صادق می‌باشند.

دو: به شکل قضایای حاوی «است» قابل بیان هستند.

مبانی، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی نظام تربیتی به‌ویژه استخراج اصول دارند؛ زیرا منشأ انتزاع اصول‌اند. بدون مراجعه به مبانی صحیح نمی‌توان اصولی صحیح را برای جریان تربیت استخراج کرد.

ذکر این نکته ضروری است که گرچه مبانی تربیت در دانش تربیت به‌عنوان اصول موضوعه مطرح هستند؛ اما در واقع گزاره‌ها و قانونمندی‌های شناخته‌شده‌ای است که در علوم نظری مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی... یا فلسفه و یا دین به اثبات رسیده‌اند. مبانی تربیت مشتمل بر علوم و حوزه‌هایی از معرفت است که به‌واسطه آن‌ها اطلاعات لازم برای تنظیم جریان تربیت به دست می‌آید.

برخی مبانی تعلیم و تربیت را به دو دسته علمی و فلسفی تقسیم می‌کنند. مبانی علمی آموزش و پرورش با توجه به ویژگی‌های زیستی، اجتماعی و روانی مورد تربیت مشخص می‌شود. مبانی فلسفی آموزش و پرورش از ملاحظات اخلاقی و فلسفی مربوط به طبیعت آدمی، هدف‌ها و غایات تربیت افراد استخراج می‌شود (شکوهی، ۱۳۶۸: ۶۱).

خلاصه آنکه، هر یک از دانش‌های بشری از جمله تربیت افزون بر پیش‌فرض‌های بدیهی، مبتنی بر پیش‌فرض‌های بسیاری است که اگر بدیهی نباشند، باید در علوم دیگر اثبات شوند. این پیش‌فرض‌ها را مبانی می‌نامند؛ زیرا زیربنای بنیان‌های دیگر به‌شمار می‌روند. مقصود از مبانی همان مبادی تصدیقی است (اعم از بدیهی و غیربدیهی)، (گروهی از نویسندگان زیر نظر مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۵). اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل،

موانع و روش‌های تعلیم و تربیت را می‌توان منطقاً از آن‌ها استنتاج کرد (گروهی از نویسندگان زیر نظر مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۸۸).

۲-۱-۱. اصل

اصل الشیء ریشه و پایه هر چیزی است که اگر آن پایه و ستون در حال بلند شدن و بلندی توهم شود، نیروی خیال نمی‌تواند آن را تصور کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۷۹).

گاه مقصود از اصل، بیخ، بُن و ریشه است و برای بحث دربارهٔ هرامری باید به ریشه و اساس واقعی آن توجه کرد. در این معنا اصل در مقابل فرع قرار دارد. گاه نیز اصل به معنای عینی و متحصّل در خارج است و از این لحاظ می‌توان از واژه اصیل در مقابل اعتباری سخن گفت و گاه نیز اصل به معنای حقیقت (در برابر باطل) است و در این استعمال اصیل در مقابل بدلی یا ناخالص به کار می‌رود (باقری، ۱۳۸۰: ۶۳).

در قرآن کریم اصل در معنای ریشه و بنیان و اساس مورد استفاده قرار گرفته است:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۲۴/۱۴).

این که فرمود: «أَصْلُهَا ثَابِتٌ» معنایش این است که ریشه‌اش در زمین جای گرفته و با عروق خود در زمین پنجه زده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲: ۵۰). در آیه ۶۴ سوره مبارکه صافات نیز همین معنا از اصل مدنظر است: «أَنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ».

اگر تربیت را فی‌الجمله به معنای فعالیتی تعاملی بین مربی و متربی برای رسیدن به هدف نهایی تربیت یعنی کمال مطلوب بدانیم، مربی برای ایجاد حالتی پس از حالت دیگر نیازمند به اصول و ضوابطی است که موفقیت این

فرایند تعاملی را تضمین کند.

باتوجه به معنای اصل یعنی ریشه و اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اصل تربیتی عبارت است از: «ریشه و بنیانی که در جریان تربیت اجتناب‌ناپذیر است و به عنوان دستوالعملی کلی تمامی جریان تربیت را تحت سیطره و نفوذ خویش دارد و در صورتی که از آن تخطی شود دستیابی به هدف دچار مخاطره جدی می‌شود».

در ادامه به بیان تعاریف اصل از زبان برخی تربیت‌پژوهان می‌پردازیم.

«... تعلیم و تربیت در حقیقت مجموعه منظمی است از رفتار و جزاین نیست. پس در آموزش و پرورش در جستجوی اصل عمل و رفتار باید بود و علم آموزش و پرورش خود عبارت از شناسایی به مجموعه اصولی است که منشأ و مصدر رفتار آموزگار و دانش‌آموز می‌باشد و در ضمن عمل یعنی در حین آموختن، فراگرفتن، هدایت کردن و پرورش یافتن، آموزگار و شاگرد هر دو را به کار می‌آید. از این لحاظ بنابر نظریکی از دانشمندان این فن، علم آموزش و پرورش، علم به اصول است و بس...» (هوشیار، ۱۳۳۵: ۹).

این تعریف خارج از قلمرو رفتار معلم و شاگرد، چیز دیگری را در تعلیم و تربیت دخیل نمی‌داند و یا حداقل از ذکر آن‌ها غفلت می‌ورزد. متناسب با این دیدگاه، اصول ذکر شده بیشتر رنگ اصول کاربردی را دارد تا اصول عام. «اصل عبارت از مفهوم یا تعمیمی است که به عنوان راهنمایی برای معلم در هدایت شاگردان در رسیدن به اهداف آموزشی ایفای نقش می‌کند».

«اصول تعلیم و تربیت مربیان را به منزله ابزاری است که با استفاده از آن می‌توانند به موقع و در عین حال با روشن‌بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خویش را به نحو رضایت بخشی انجام دهند» (شکوهی، ۱۳۷۲: ۸۴).

«اصول تعلیم و تربیت مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و

والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد» (شریعتمداری، ۱۳۶۴: ۱۱).
 «مقصود از اصل قاعده عامه‌ای است که می‌توان آن را به منزله دستورات عملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد» (باقری، ۱۳۸۰: ۶۴).

در این تعریف نیز از آنجاکه به راهنمای عمل در تدابیر تربیتی اشاره شده، کاربرد بودن اصول تربیت آشکارا قابل تشخیص است.

برخی در بحث از اصول تربیت در اسلام، اصل را زیرینا و ریشه و بنیانی می‌دانند که به هیچ وجه نمی‌توان از آن تخطی کرد. ایشان اصول توحید، نبوت و عدل را به عنوان شاهد مثال ذکر کرده و برخلاف سایر افراد در بیان اصول تربیت اسلامی، از اصول عام تربیت سخن گفته‌اند (احمدی، ۱۳۶۸: ۱۰۲).

بین «اصل» و «مبنا» تفاوت وجود دارد. اصل مشتمل بر نوعی راهنمای کلی است که بر تمام جریان تربیت حاکم و ناظر است در حالی که مبنا اغلب شامل یک یا چند رشته از معرفت بشری است که در کسب شناختی بهتر از جریان تربیت و تعیین اصول مقتضی به ماکمک می‌کند.

علم تربیت دارای مجموعه‌ای از اصول موضوعه است که از سایر حوزه‌های معرفت به عاریت گرفته شده و در واقع نقش مبانی تربیت، ارائه مجموعه‌ای از اصول موضوعه برای تربیت است. به علاوه علم تربیت در جریان اجرا به اصولی دست می‌یابد که به دلیل این که در خود علم و از طریق تحقیقات تربیتی به دست آمده است، در زمره اصول متعارفه یا مکشوفه قرار می‌گیرد (تقی پور ظهیر، ۱۳۶۹: ۱۰۰).

در تربیت اسلامی باید به بررسی و تفحص در متون اسلامی پرداخت و بر اساس انسان‌شناسی اسلامی، اصول تربیتی مربوط را استخراج کرد و نمی‌توان به استخراج اصول از رفتار مربی و شاگرد اکتفا نمود. چون که در تربیت اسلامی به جای انسان موجود (فعلی)، تکیه بر انسان مطلوب (آرمانی) است و از آنجاکه

انسان، جامعه، فلاسفه و علمای آرمانی وجود ندارد، نمی‌توان به کشف اصول (استخراج اصول) از رفتار آن‌ها اقدام کرد. این اصول را قطعاً باید از قرآن و سنت استخراج نمود.

از آنجاکه قرآن قبل از هر چیز، کتاب تربیت است؛ قطعاً رهنمودهای کافی و جامعی در این زمینه خواهد داشت و انسان مورد نظر خداوند را ترسیم کرده است؛ لذا استناد به سایر منابع مذهبی نیز منوط به موافقت با نص قرآن کریم است. اصول تربیت در اسلام به دلیل اجتهاد و استنباط افراد از متون دینی حالت کشفی دارد و نه وضعی؛ اگرچه قبلاً از سوی خالق انسان‌ها وضع شده و برای ابلاغ این وضع نیز تا اندازه‌ای لازم اقدام شده است و در واقع ارسال رسل برای ابلاغ وضع مورد نظر خداوند به بندگانش بوده است.

خلاصه آنکه، هر یک از نظام‌های تعلیم و تربیت دارای مبانی هستند. از وظایف اصلی فلسفه تعلیم و تربیت استخراج و دسته‌بندی این مبانی از دیدگاه نظام است. در گام بعدی باید روشن ساخت که براساس این مبانی چگونه می‌توان به اهداف رسید. گزاره‌های کلی و تجویزی که بیانگر چنین راهکارهایی هستند اصول تعلیم و تربیت نامیده می‌شوند. این گزاره‌های تجویزی برای تعلیم و تربیت راهنمای عمل به شمار می‌روند و ممکن است ناظر به ساحت‌ها و مراحل یا نحوه مواجهه با عوامل و موانع یا استفاده از روش‌ها باشد؛ برای مثال: از این مبنا که هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی قرب به خداوند است، می‌توان اصل زیر را برای به‌کارگیری در برنامه عملی نتیجه گرفت: «در تعلیم و تربیت اسلامی، باید اهداف میانی و خاص در راستای قرب به خداوند تعیین شوند» (گروهی از نویسندگان زیر نظر مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۶۷).

۳-۱-۱. روش

موفقیت انسان در هر کار و فعالیتی با روشی که برای آن برمی‌گزیند ارتباط مستقیم دارد. هرچه ابزارهای مورد استفاده برای انجام کار مناسب‌تر و دقیق‌تر باشد، رسیدن به مطلوب نیز سریع‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، انجام هر کاری که مبتنی بر روش صحیح باشد به فرجامی نیک خواهد رسید؛ در غیر این صورت نسنجیده و تصادفی شده و در نتیجه رسیدن به مطلوب به تعویق افتاده و مدت زمان لازم برای رسیدن به آن طولانی می‌شود. حتی ممکن است که نه تنها دستیابی به صد درصد نتیجه مطلوب محقق نگردد بلکه نتیجه کار عکس آنچه مورد نظر بوده است، باشد (شعاری نژاد، ۱۳۶۸: ۴۵۰).

رابطه مستقیم میان روش اتخاذ شده در هر کار با میزان موفقیت در آن و رسیدن به نتیجه مطلوب نه تنها در امور مهم، بلکه در امور جزئی نیز جاری است؛ چنان که یک نوازنده نیز بدون اتخاذ روش مناسب قادر به نواختن آهنگ دلخواه خود نیست.

شهید مطهری (ره) درباره اهمیت اتخاذ روش درست می‌گوید:

«سرّ موفقیت دانشمندان معاصر نسبت به شخصیت‌های قبلی آن است که اسلوب علماء کنونی تغییرات زیادی در تحقیق نسبت به قدما پیدا کرده است؛ ممکن است فردی با نبوغ پایین به خاطر اتخاذ شیوه مناسب‌تر نسبت به فردی با بلوغ و خلاقیت بالاتر از موفقیت بیشتری برخوردار باشد» (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۴۸).

روش تربیت، طریقه‌ای است که رسیدن جریان تربیت را به هدف مورد نظر میسر می‌سازد. معمولاً برای انجام دادن هر کاری به دستورالعمل و راهنمای عمل، احساسی نیاز می‌شود و اصل تربیتی در جریان رسیدن به هدف برطرف‌کننده چنین نیازی است.

تفاوت عمده اصل و روش تربیتی در این است که اصل، دامنه‌ای وسیع‌تر

دارد و می‌تواند در آن واحد بر چند روش گوناگون حاکم و ناظر باشد، درحالی‌که روش تربیتی، خاص موقعیت ویژه‌ای است و متناسب با موقعیت باید از روش‌های خاصی برای رسیدن به اهداف تربیتی بهره جست.

۴-۱-۱. هدف

مهم‌ترین امری که یک نظام تربیتی را از سایر نظام‌های تربیتی متمایز می‌کند، اهداف و غایت‌های آن است (ملکاوی، ۱۳۸۰: ۴۲). هدف در لغت به معنای هر چیز مرتفع مانند ساختمان بلند، تپه، برآمدگی کوه و کوه است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۹: ۳۴۶). هدف و غرض مترادف‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۲۸). «هدف» با «علت غایی» در اصطلاح فلسفی منطبق است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۱۵۵). پیش از ورود به اهداف تعلیم و تربیت در قرآن کریم ذکر چند نکته پیرامون هدف ضروری است:

الف: به هدف و به تبع آن، اهداف تربیتی از جنبه‌های متفاوتی نگریسته شده است:

- برخی اهداف را گرایش‌هایی می‌دانند که مریبان برای جهت‌دهی کسانی که تحت حمایت و مراقبت خود دارند، جستجو می‌کنند (فینکس، ۱۹۸۲ م: ۸۲۲)؛ بنابراین اهداف جهت‌دهنده‌هایی هستند که برای مسیر پیشرفت، رشد و ترقی به کار می‌روند.
- برخی با اضافه کردن ابزارها و وسایل به تعریف هدف، آن را غرضی می‌دانند که عاملان تربیت برای تحقق آن با ابزارها و وسایل متناسب با آن تلاش می‌کنند (حریری، ۱۴۱۶ ق: ۲۳).
- بعضی هدف را معادل نتیجه در نظر گرفته و نتیجه نهایی آموزش را هدف تربیت تلقی می‌کنند (ابوالعینین، ۱۴۰۸ ق: ۱۱)؛ گروهی از نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۱۴-۲۱۵).

تعاریف مذکور خالی از اشکال نیستند؛ مثلاً تعریف اخیر که هدف را معادل نتیجه در نظر گرفته، کامل نیست؛ زیرا نتیجه، حاصل تلاش برای رسیدن به هدف است که ممکن است با هدف مطابقت داشته باشد یا نداشته باشد یا آنکه بخشی از آن را پوشش دهد.

هدف، غایتی است که انسان آن را تصور می‌کند، در برابر دیدگانش می‌نهد و رفتارش را به نیت رسیدن به آن، نظم می‌بخشد (نحلاوی، ۱۹۹۹م: ۱۰۵-۱۰۶). هدف تربیتی مشخص‌کننده نقطه یا جهتی است که فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی باید متوجه آن باشند یا در آن مسیر حرکت کنند (شریعتمداری، ۱۳۷۰: ۱۱). هدف تربیتی جهت کار و نقطه شروع فعالیت‌های تربیتی را نشان می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۷۰: ۱۶۳).

ب: اهداف به دو بخش فرایندی و فرآورده‌ای تقسیم می‌شوند:

- هدف‌های فرآورده‌ای عمدتاً بازده مورد انتظار را وصف می‌کنند و معمولاً به صورت تغییرات مطلوبی که در رفتار مخاطبان رخ خواهند داد، بیان می‌شوند. در مقابل، هدف‌های فرایندی کمتر با رفتار یادگیرنده و بیشتر با راهبردها و فعالیت‌هایی که برای ایجاد هدف‌های فرآورده‌ای تدارک دیده می‌شوند و به اجرا درمی‌آیند سروکار دارند (سیف، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

- هدف‌ها بر اساس ایجاد خصوصیات مطلوب (قوای ذهنی، باطنی و رفتاری) تنظیم می‌شوند (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۳۵).

ج: هرچند وجود هدف برای هر فعل هوشمندی، حقیقتی غیرقابل انکار است؛ اما در تعیین اهداف تربیت بین صاحب نظران اختلاف وجود دارد. اختلافات بر محور سؤال‌های زیر می‌چرخد:

- اهداف تعلیم و تربیت وضع کردنی است یا کشف کردنی؟
- اهداف تربیتی که تعیین آن واجب و ضروری است چیست؟

- روش‌ها تابع هدف‌ها هستند یا هدف‌ها تابع روش‌ها؟
- جریان رشد تابع اهداف تربیتی است یا اهداف تربیتی تابع جریان رشد (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۴).
- آیا افراد برای زمان حال تربیت می‌شوند و یا برای زمان آینده و یا احتمالاً براساس ضرورت‌های زمان گذشته؟ آیا افراد همسوی نیازهای جامعه تربیت می‌شوند و یا آنکه برای شکوفایی استعدادها و تمامیت بخشیدن به قابلیت‌های فطری خود؟
- هدف‌گذاری در نظام تعلیم و تربیت، برای تربیت نسل جدید براساس کدام مصلحت‌ها و ملاک‌ها معنا می‌یابد؟
- آیا افراد باید تابع هنجارهای اجتماعی باشند یا هنجارهای اجتماعی به تبع مصلحت‌ها و نیازهای نسل جدید باید تحویل یابد؟ (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

این اختلافات در اصل ضرورت وجود هدف برای تربیت، به‌ویژه در سطح اهداف غایی نیز مطرح است؛ درحالی‌که برخی از اندیشمندان معتقدند که هر مشکلی از مشکلات تربیت به این سؤال اساسی و بنیادین برمی‌گردد که: آنچه به‌عنوان غایت تربیت مطرح می‌شود چیست؟ (ولف گانک، ۱۹۹۴م: ۲۱۲) و برای وجود غایت تربیت، دلایل گوناگونی ارائه می‌دهند، برخی وجود و ضرورت هرگونه هدف غایی برای تربیت را نفی می‌کنند. ایشان با انکار ضرورت اهداف نهایی، اهدافی مانند رشد و صلاح را مفاهیمی کلی و مبهم می‌دانند که قادر نیستند، ما را به سوی آنچه واجب است و در مقام عمل باید به آن پرداخت، راهنمایی کنند بلکه باید به جای آن اهداف رفتاری را جایگزین کرد (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). توسعه، پیشرفت و ابتکارات جدید اهداف نهایی را فاقد کارایی، منسوخ و ازکارافتاده کرده است (کیلانی، ۱۴۱۷ق: ۴۹).

برخی دیگر از همین طیف، هدف‌گذاری در نظام آموزش و پرورش را

متضمن نوعی پیش‌دستی نسبت به آینده در حال شکل‌گیری می‌دانند. آینده‌ای که در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غیرقابل پیش‌بینی است. نمی‌توان برای چیزی که خود در حال انعطاف و انبساط است، قالب ثابت و منجمدی را فراهم کرد. کسانی که در پی تدوین هدف‌های ازپیش‌تعیین‌شده هستند، جریان رشد و تربیت آدمی را با «صنعت» همسان پنداشته‌اند (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

جان دیویی با نگرش منفی به اهداف تربیتی وضع‌شده از واضعان انتقاد می‌کند و تدوین اهداف را عامل دو خطر می‌داند:

۱- هدف‌های ازپیش‌تعیین‌شده، بیگانه از نیازهای واقعی دانش‌آموزان است و سبب محروم کردن عوامل آموزشی از به‌کاربردن هوش و حس پیش‌بینی یعنی تنظیم افعال با توجه به نتایجی که برای آن‌ها متصور است، می‌شود. پویایی و انعطاف در جریان رشد و سازوکارهای عاطفی و روانی دانش‌آموز که از زمینه‌های ارتجالی و خودبه‌خودی تفکر که منشأ خلاقیت، ابتکار و نوآوری و برای تمایز یافتگی او با دیگران است، تهیه شده و در قالب‌های محدود، ایستا و جهت‌گیری‌های مکانیکی رنگ می‌بازد.

۲- هدف‌های ازپیش‌تعیین‌شده به تدریج به مطلوب‌های انعطاف‌ناپذیر و ایستا تبدیل می‌شود؛ در نتیجه این اهداف برخاسته از رغبت دانش‌آموزان و برخاسته از فعالیت‌های واقعی آن‌ها نیست و به تبع آن، تربیت درونی شکل نمی‌گیرد؛ از سوی دیگر سبب انفصال دائمی بین آنچه برنامه‌ریزان قصد می‌کنند و آنچه معلمان اجرا می‌کنند و آنچه دانش‌آموزان کسب می‌کنند، می‌شود (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

به این ترتیب آنان اهداف تربیت را کشف کردنی می‌دانند به این معنا که در فرایند تعامل تربیت‌شونده و شرایط و مقتضیات اجتماعی و فرهنگی کشف می‌شوند؛ در نتیجه هدف‌ها نقطه ثابت و ایستگاه‌های ازپیش‌تعیین‌شده

نمی باشند (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

خلاصه آنکه در تعیین اهداف تربیت دو دیدگاه وجود دارد:

اول: ضرورت تعیین اهداف غایی و واسطه‌ای قبل از فرایند تربیت؛

دوم: عدم ضرورت تعیین اهداف غایی به دلیل عدم کارآمدی تعیین

اهداف غایی قبل از فرایند تربیت و تعیین اهداف تربیتی (واسطه‌ای) در

تعامل با تربیت شونده و در حین تربیت. موضوع هدف در تربیت نوین مقوله‌ای

نیست که بتوان آن را از پیش تدوین کرد.

درمقابل باید گفت هرچند آزادی، ذات انسان است و حرکت مستمر این

ذات نامتعیّن موجب پیدایش هویت‌های متنوعی برای او می‌شود؛ اما نباید

تصور کرد که این گوناگونی به خودی خود مانع هدف‌گذاری تربیتی برای

گروه‌های انسانی می‌شود. انسان دارای حقیقت واحد و ثابت و موهبتی الهی

به نام «فطرت الله» است. این موهبت الهی، هویت نخستین و آغازین انسان

شامل یک سری گزارش‌های علمی از هست‌ها و نیست‌ها و یک سری

گزاره‌های هنجاری از بایدها و نبایدهاست (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۰۴-۲۰۵).

براساس اعتقاد به وحدت ذاتی انسان‌ها و اشتراک ایشان در فطرت، معلوم

می‌شود که کمال، نیک‌بختی و بدبختی آن‌ها نیز مشابه است. بلکه راه‌های

نیل به سعادت و شقاوت نیز درباره همه انسان‌ها اطلاق و عمومیت دارد.

به عبارتی، وحدت ذاتی نوع بشر سبب می‌شود، تعریف کمال، سعادت و

هدایت درباره همه انسان‌ها مشابه شود و امکان برنامه‌ریزی برای نیل به این

کمالات فراهم گردد. تعلیم و تربیت که چیزی به جز برنامه‌ریزی هر جامعه برای

رساندن شهروندان خود به نیک‌بختی نیست؛ می‌تواند براساس تشابه ذاتی و

سرشتی مردم، سرنوشت همسانی را پیش‌بینی کرده، تعریف یکسانی برای

سعادت همگان ارائه کند و برنامه‌ای نسبتاً فراگیر و البته منعطف برای تمام

افراد و گروه‌های اجتماعی عرضه کند؛ به طوری که اهداف و اصول آن جنبه

عمومیت داشته باشد (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۲۶۴-۲۶۶)؛ بنابراین، قلمرو اهداف تربیتی همهٔ اقشار جامعه و همچنین، تمام حوزه‌های زندگی خصوصی و اجتماعی یادگیرندگان را می‌تواند شامل گردد (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۲۶۹).
 صرف نظر از دلایل مهمی که نظر اول را تأیید می‌کند؛ باید گفت که اهداف تربیتی که در جریان تربیت کشف می‌شوند، مقیاس‌های کوچکی از اهداف می‌باشند که به توجیه عقلانی نیاز دارند و به صورت غیرمستقیم و تحمیلی بدون بینش و تعقل، ظاهر نمی‌شوند. توجیه عقلانی مزبور تنها از فرهنگ و اهداف تربیتی عام و غایی قابل وصول می‌باشد. به عبارت دیگر، هر دو قسم از اهداف به هم نیازمندند؛ زیرا اهداف نهایی بدون اهداف واسطه‌ای دست‌نیافتنی هستند و اهداف واسطه‌ای بدون اهداف غایی و نهایی، فاقد انسجام و توجیه عقلانی می‌شوند (کیلانی، ۱۴۱۷ق: ۴۷).
 علاوه بر آن، هدف‌ها ثابت هستند و روش‌ها متنوع. ثابت بودن اهداف، نافی تشکیکی بودن آن‌ها نیست. منشأ مخالفت با تدوین اهداف غایی، فرض طبقاتی نبودن اهداف است.

آن‌ان که برای تربیت اهداف نهایی و واسطه‌ای بیان کرده‌اند، سطوح متفاوت اندیشه انسان‌ها و تفاوت‌های فردی آن‌ها را انکار نمی‌کنند؛ درعین حال اهداف ثابتی را در نظر می‌گیرند که هرکس از افراد بشر به آن یا بخشی از آن دست پیدا خواهد کرد. این میزان به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های افراد و سایر عوامل بستگی دارد. از همین روست که نقطهٔ آغاز علم تربیت و هر نظریهٔ تربیتی، اهداف غایی است که به صورت ایدئال، مطلوب عمل تربیتی را مجسم می‌کند.

تعیین اهداف تربیت، فرایند تربیت را دراموری تسهیل می‌نماید:

- ۱- هدف، به سمت فعالیت، ارشاد می‌کند، برای عمل برمی‌انگیزد و به موفقیت کمک می‌کند. عدم تعیین هدف، کندی، تردید و شک را

به همراه خواهد داشت.

۲- اهداف، امکان سنجش عمل تربیتی را فراهم می‌نمایند.

۳- تعیین‌کننده روش‌ها و ابزار شایسته فرایند تربیت مطلوب است (نحلاوی، ۱۹۹۹م: ۱۰۶-۱۰۷). بر برنامه‌های آموزشی پیشی گرفته و در جهت‌گیری، تعیین ساختار، ماهیت، روش‌های اجرا و ابزار مورد نیاز آن، راهنماست.

د: ویژگی‌های هدف مطلوب

اهداف تربیتی باید جوشیده از انگیزه‌ها و رغبت‌های درونی مخاطب باشد. از این طریق است که فرایند درونی‌سازی مفاهیم، ارزش‌های اخلاقی و فضایل انسانی در فرد آغاز می‌شود. چه بسا اهداف به ظاهر خوب در نزد پیام‌دهنده از منزلت و جایگاه مقدسی برخوردار است؛ اما به خاطر پل ناپذیری با درون مخاطب فاقد وجاهت و جذابیت لازم است. آنچه ملاک و منبع تأثیرگذاری یک پیام تربیتی است وابسته به نیاز، علاقه و تمایل درونی است (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۳۱). اگر میان اهداف تدوینی و اهداف تکوینی فاصله باشد، این دو همچون دو خط موازی راه‌آهن به هیچ نقطه تلاقی نخواهند رسید و ارتباط معناداری میانشان (هدف و مخاطب) برقرار نمی‌شود (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). علاقه واقعی، زیرساخت تعلیم و تربیت فعال و پویاست. این پویایی مستلزم همانندی محتوا و اهداف تربیتی با تمایلات و نیازهای اصلی و واقعی فرد است.

اهدافی قابلیتِ فعلیت بخشی به موارد مذکور را دارند که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

- ۱- با طبیعت انسان هماهنگ باشند؛ علاوه بر آن، باید با در نظر گرفتن نیازها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ابداعی و ابتکاری انسان را رها سازند.
- ۲- در پرتو ارتباطاتی که تعیین‌کننده رشد انسان، سرانجام او، روابط وی با

جهان هستی، دیگرانسان‌ها و محیط، فراگیر باشد از جامعیت کافی برخوردار باشد. تمام ابعاد و جوانب زندگی را پوشش دهد.

۳- راهنمای عاملان و هادیان باشد. نوع مهارت، معارف، مواضع، گرایش‌ها و عادات مورد نظر در روند رشد شخصیت مخاطب را تشریح کنند.

۴- با فطرت انسان سازگار باشد و شامل همه انسان‌هاست، مصلحت‌امت و نوعی خاص را شامل نمی‌شود، فطرت را خشک نمی‌کند. انرژی‌های انسان را سد نمی‌کند و هدر نمی‌دهد. از آنجایی که با فطرت انسان متناسب است، هم مربی می‌پذیرد و هم متربی.

۵- براساس واقعیت تدوین شده و قابلیت انجام را دارد و در تمام رفتارهای همه انسان‌ها با فرهنگ‌ها و عمرهای متفاوت اثرگذار است. در تمام شرایط و ادوار گوناگون امکان تحقق آن وجود دارد. غایت واحدی است که دارای شاخه‌های فراوان است که اهداف واسطی و میانی را به هم می‌پیوندد (نحلاوی، ۱۹۹۹م: ۱۲۳).

۲-۱. رابطه اهداف تربیتی و ارزش‌های دینی

میان ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دین با اهداف تربیتی نظام آموزشی رسمی، فراگیر و دولتی روابط علی‌آشکاری وجود دارد؛ هرچند لزوماً عینیت برقرار نیست (علم‌الهدی، ۱۳۸۴: ۲۵۸) به همین جهت تلاش برای دستیابی به اهداف تربیت مستند به دین در همه ادیان مورد توجه بوده است.

۲-۱-۱. رابطه اهداف تربیت و ارزش‌ها در مسیحیت

توجه به ارزش‌های مسیحیت در تدوین اهداف تربیت مؤثر بوده است. فینکس هدف غایی تربیت را قداست قرار داده و قدیس را به معنای انسان غیرعادی که دارای قدرت روحی غیرعادی باشد، وصف کرده است؛ نمونه

دیگر جیفریز (Jefferys) می‌باشد. وی هدف غایی را به دست آوردن عقیده نصرانی به گونه‌ای که برای انسان جوهر قدرت الهی را کشف کند و نقص و ضعف انسان را در زمان جدایی از پروردگارش روشن کند، بیان کرده است (فینکس، ۱۹۸۴م: ۸۴۸). برخی نیز غایت تربیت دینی را آزاد کردن انسان از تمامی قیود و حصارهای مادی برای ورود به گستره بی‌کران جاودانگی و آزادگی دانسته‌اند. تلاش برای تدوین اهداف مبتنی بر ارزش‌های دینی در مسیحیت تداوم نداشته است. ایشان در عمل تربیت مسیحی خود را طرد کردند و به تربیتی که نامش را تربیت جدید نهاده بودند، روی آوردند. رویگردانی از تربیت مسیحی به دلیل تحریفات دین مسیحیت طبیعی بود؛ چراکه تناقضات فراوانی به همراه داشت (متولی، ۱۴۰۷ق: ۶۷-۶۸).

دلیل دیگر ناکامی مسیحیان در تدوین اهداف تربیت مبتنی بر دین و ارائه تصور کاملی از غایت مشخص که تمام اغراض اهداف تربیتی و به تبع آن تلاش‌های تربیتی برای وصول به آن را تعیین کند، رد هرگونه غایت مشخص برای تربیت بود. با این استدلال که تعیین غایت نوعی آرمان‌گرایی، دور از واقعیت و تحقق است. از سوی دیگر، برخلاف انعطاف‌پذیری تغییرات مستمر در طول زمان می‌باشد (میمان، ۱۴۲۲ق: ۶۵۰-۶۵۱).

مروری بر کتاب‌های تربیتی غرب با محوریت اهداف تربیتی، جدایی آن‌ها را از ساحت دین و عدم ابتدای آن‌ها بر شریعت را روشن می‌کند. کتاب‌های مذکور با تمرکز بر اهداف در پنج دسته (گروه) قابل ارائه است:

۱- ارائه هدف‌های تربیتی از نگاه افلاطون، ارسطو، روسو، کانت، هابرت،

دیویی و...

۲- ارائه فلسفه‌های متعدد تربیتی و اهداف آن‌ها و تمرکز بر یک فلسفه، مثلاً فلسفه جان دیویی که معتقد است علاقه‌مندی و امیال دانش‌آموز باید در تعیین اهداف دخالت داشته باشد (نل نودینگ، ۱۹۹۵م: ۲۸-۲۵).

۳- اکتفا به بیان انواع هدف؛ رینگ (Wringe) اهداف را به سه بخش تقسیم کرده است: اول، اهدافی که به مصلحت فرد خدمت می‌کند و پیشرفتش را تحقق می‌بخشد؛ دوم، اهدافی که جامعه مطلوب را محقق می‌سازد و سوم، اهدافی که خود به اهداف دیگری منجر می‌شود مانند، عقلانیت (رینگ، ۱۹۸۸م: ۶-۱۶).

۴- بیان مجموعه‌ای از اهداف جزئی مثل تجربه، امنیت، قدرت، عشق و... (فینکس، ۱۹۸۴م: ۸۲۲-۸۴۹).

۵- ارائه مجموعه‌ای از آراء مختلف بدون ترجیح هیچ کدام (ولف گانگ، ۱۹۹۴م: ۱۱۶-۱۶۳).

جدایی اهداف تربیت از دین، علاوه بر تشنگی آراء، آسیب‌های فراوانی در تعیین اهداف به همراه داشته است، به گونه‌ای که دفاع از اهداف مذکور، کاری صعب است. به عنوان نمونه هدف «تحقق ذات» و «شهروند صالح» که جزء اهداف اصلی و غایی تربیت در غرب بیان شده‌اند از وجوه مختلف نقد شده‌اند.

۱- تحقق ذات

«سیر برسی نن» تحقق ذات را بالاترین هدفی می‌داند که تربیت برای رسیدن به آن تلاش می‌کند. تنها تربیتی که در آغاز، تحقق ذات را هدف می‌گیرد، بر اساس قوانین حرکت می‌کند. این ادعا برگرفته از علم زندگی است و حیات آن را شهادت می‌دهد؛ اما تحقق ذات، باید بتواند توضیح دهد که چگونه ممکن است که یک طفل به وجود آید و ببیند که جامعه و به طور کلی جهان هستی، گستره‌ای برای تحقق ذات او هستند بدون آنکه برای ذات، هدف برتری که توانایی‌های آن را جهت بخشد، وجود داشته باشد. آیا اساساً هیچ‌یک از جوامع چنین کسی را برای ما تربیت می‌کند.

یا آنکه آزادی که از مبانی تحقق ذات است، بدون وجود هدف مشترک برتر امکان تحقق می‌یابد؟ (نحلاوی، ۱۹۹۹م: ۱۰۹)

۲- شهروند صالح

شهروند صالح کسی است که تربیت اجتماعی شده، به گونه‌ای که هماهنگ با اجتماعی است که در آن رشد کرده و اهداف صالح و خواسته‌های آن جامعه را محقق می‌سازد؛ بنابراین شهروند صالح در جامعه غربی کسی است که به هدف قوم خود خدمت می‌کند و در جامعه لیبرال، ابزاری ثمربخش است که در دست بزرگان حزب حاکم قرار دارد (نحلاوی، ۱۹۹۹م: ۱۲۲). این نگاه برگرفته از گستره میدان صنعت است. میدانی که به ضرورت تجربه دقیق عملی در کارگاه و کارخانه و وضع مراحل برای صرفه‌جویی، بهره‌وری بیشتر از کار، سرمایه و زمان که افزایش تولید را به همراه دارد، می‌باشد (دریج، ۱۴۱۴ق: ۹۳).

با حاکمیت این دیدگاه، تربیت از اهداف فلسفی که با محوریت فرهنگ بود، وانهاده شد. کما اینکه علم‌النفوس در آغاز قرن بیستم از شیوه‌های فلسفی منفک و به‌طور کلی در روش تجربی غوطه‌ور شد؛ بنابراین فطرت انسانی تعطیل شد و در تحقیقات و بررسی انسان، فقط بر ابعاد ظاهری تکیه شد (میمن، ۱۴۲۲ق: ۶۶۰). اهداف تربیتی در امور رفتاری، بدون توجه به غایات تجلی یافت و تربیت، آماده‌سازی برای کار، شغل و افزایش تولید صنعتی که سبب رشد و افزایش تولید می‌شوند، تأکید کرد. رشد عقلی که در مسیحیت به منظور معرفت خدا بود از معرفت خدا منفصل شد و آن را به عنوان هدفی مستقل دانست و مفهوم ایدئالیسم از خردمندی را به مفهوم حل مشکل تغییر داد.

مکین تایید در نقد این دیدگاه می‌گوید:

«هرگاه تربیت به امور رفتاری اکتفا کند و از اهداف عالی‌تر زندگی بازماند، سبب ایجاد جامعه بدون عقل و خالی از انسانیت می‌شود (به نقل از کریمی، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

در مدارس امروزی، مدارس تجاری و حرفه‌ای شده‌اند و اهداف آموزشی و

تربیتی نیز بر اساس ضرورت‌های تجاری و حرفه‌ای تدوین می‌شود. هدف‌های آموزش و پرورش پیش از آنکه در پی شکوفایی فطرت آدمی باشد، به دنبال استفاده ابزاری از طبیعت انسان است؛ بنابراین اهداف تربیت غربی در محدوده امور مادی دنیایی منحصر شد و از فلسفه حقیقی خلقت (انسان و جهان) و فطرت انسان نشئت نمی‌گیرند. اهداف جزئی و فرعی نیز که برگرفته از هدف زندگی دنیایی (هدف اصلی) می‌باشند به نتایجی منتهی می‌گردد که به مصلحت انسان نیست؛ زیرا فاقد معیاری است که او را به سمت مَثَلِ اعلیٰ هدایت نماید. هدف تحقق ذات به سوی به دست آوردن هر چیزی می‌شود هرچند سبب ضربه دیدن ذات انسان‌های دیگر باشد و هدف شهروند صالح به سمت درگیری‌های فرقه‌ای و نژادی سوق می‌دهد؛ چراکه هرامتی برای رسیدن به مصالح مادی و مطامع خود، شهروندش را تربیت می‌کند (میمان، ۱۴۲۲ق: ۸۸-۸۹). طراحی اهداف با تأکید بر مهارت‌های مادی، برجسته‌شدن میدان‌های اخلاق، ارزش‌ها و عقاید را در پی دارد (کیلانی، ۱۴۱۹م: ۱۸۰).

۲-۲-۱. رابطه اهداف تربیت و ارزش‌ها در اسلام

تعیین اهداف تربیت بر اساس دین، در میان مسلمانان، متفاوت از سایر ادیان است. مهم‌ترین عامل این تفاوت، تحریف نشدن متن اصیل دین اسلام و به عبارت دقیق‌تر تحریف ناپذیری قرآن کریم است. مسلمانان با عنایت به جایگاه شریف قرآن کریم، ارزش‌های اخلاقی خود را که از ویژگی ثبات و پایداری بهره‌مند می‌باشند، درک و بر اساس همین ارزش‌ها، اهداف تربیت را استخراج و کشف نموده‌اند.

این نکته نباید سبب گمراهی ما شود؛ چراکه در حوزه اهداف بین نظریه‌پردازان تربیت اسلامی نیز اختلافات زیادی وجود دارد. ذکر تعدادی از